

در این شماره میخوانید:



(سرمقاله)

گوش شنوا کـــو؟

به شهادت شهروندان بارها در نشریه شهروند از کاستی ها و معضلات شهر انزلی نوشتیم. اما کو گوش شنوا؟ از اماکن مخروبه و متروکه که اطراف میدان مرکزی و خیابان سپه...

بقیه در صفحه ۲

فروش زمین با جعل نقشه ، امضاء شهردار و مهر شهرداری در بندرانزلی

گزارش تشکیل دومین مجمع عمومی انجمن طرفداران توسعه بندرانزلی



صفحه ۵

بندر انزلی به روایت تاریخ!



۴۲۴۹۵۰۸ ☎

الو شهروند



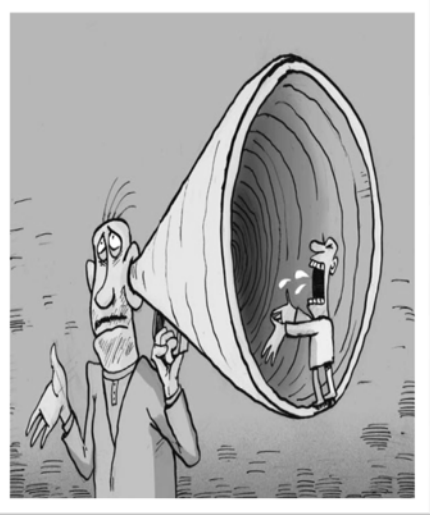
www.AnzaliCity.org

انجمن طرفداران توسعه بندرانزلی ، نهادی است مدنی و وابسته به هیچ جمعیت حزبی و گروه های سیاسی - ایدئولوژیک نیست.

گوش شنوا کو؟

به شهادت شهروندان بارها در نشریه شهروند از کاستی ها و معضلات شهر انزلی نوشتیم. اما گوش شنوا؟ از اماکن مخروبه و متروکه که اطراف میدان مرکزی شهر و خیابان سپه را فرا گرفته است، نوشتیم. اما گوش شنوا؟ از اشغال غیر قانونی خیابان بوعلی و تجاوز به حریم عمومی شهروندان در جای جای این شهر توسط اربابه داران، دکه داران و مغازه داران سخن گفتیم و از آلودگی و بوی تعفن بازار ماهی فروشان شهر نوشتیم. اما گوش شنوا؟ از چشم چراغ شهر، از زمین بایر میدان مرکزی شهر که اینک به پارکینگ ماشین ها و اربابه های زباله شهرداری تبدیل شده است، سخن گفتیم. اما گوش شنوا؟ از بی هنری و بی ذوقی شهرداری انزلی که ده ها میلیون تومان صرف نمایی در میدان کرده است که مردم شهر آنرا میدان اعدام می نامند، نوشتیم. اما گوش شنوا؟ از بسته شدن یکی از خیابان های اصلی عبور و مرور شهری به مدت ۵۲ روز از سال به علت برپا داشتن بازار مکاره شنبه بازار و بهم ریختن ترافیک شهری در این ایام سخن گفتیم. اما گوش شنوا؟ از آلودگی تالاب، از معوق ماندن پروژه کنارگذر، از ضرورت احداث کمپینگ برای گردشگران چادر خواب در انزلی، از نیاز شهر به یک بازی پارک آبرومند برای سرگرمی کودکان این شهر، از بی توجهی شهرداری در اداره کشتارگاه انزلی و فاجعه بسته شدن و بیکار شدن عده ای از زحمتکشان این کشتارگاه بارها و بارها نوشتیم و حضوراً نزد مدیران شهری از این همه نابسامانی ها و کاستی ها گفتیم. اما گوش شنوا؟ ما به عنوان یک انجمن مدنی به عنوان دیده بان مردم شهر وظیفه خود دانستیم همه این نارسایی ها را به گوش مدیران شهری برسانیم. اما آنان چون خود را به خواب زده اند، انگار نمی شوند. می گویند، کسی که خوابیده است را می شود بیدار کرد. اما کسی که خود را به خواب زده است محال است بیدار شود. قصه ما با مدیران شهری، حکایت دوم است. آنان خود را به خواب زده اند. ما سه دوره شورای شهر داشته ایم. اما دریغ از یک برنامه مدون جهت توسعه و آبادانی شهر انزلی. شهرداریانی داشته ایم که حتی یک پروژه چشم گیر عمرانی ماندگار از خود به یادگار نگذاشته اند. شورا و شهرداری سالهاست درگیر کشمکش

های ویرانگر سیاسی و دسته بندی های حیدری - نعمتی فرقه ای اند و بی واهمه از پاسخگویی ، سرنوشت شهر را به قضا و قدر سپرده اند. شهری که همه ی زمینه ها و عوامل توسعه را طبیعت به رایگان در اختیار آن نهاده است، قربانی این کشمکش ها و عدم کفایت مدیران شهری شده است. حال ما نمی دانیم از ناتوانی و خواب زدگی مدیران شهری به چه کسی پناه ببریم. آنقدر گفتیم و نوشتیم و نتیجه ای نگرفتیم که دیگر خسته شدیم. اما نه. ما در طرح مطالبات مردم این شهر خسته نمی شویم و در استیفای حقوق شهروندی خود یک ذره هم کوتاه نمی آئیم. آنقدر می گوئیم و می نویسیم تا اینکه گوش شنوایی پیدا شود.



فروش زمین با جعل نقشه، امضاء شهردار و مهر شهرداری در بندرانزلی

ایران و طی طوماری بلند با امضای شهروندان و ارسال آن به شهرداری انجام این معامله مشکوک را به پرسش کشیده است. اکنون با آفتابی شدن این رسوایی بزرگ پرسش روشن شهروندان از مسئولان محترم شهر، از فرمانداری محترم، از شورای محترم شهر انزلی، از شهردار انزلی، از دادستان محترم، به عنوان مدعی العموم حقوق مردم این است که آیا مردم از محتوای رسوای این پرونده جعل بزرگ مطلع خواهند شد؟ آیا مسببین، دست اندکاران، همدستان احتمالی در شهرداری و در ثبت اسناد و دفترخانه به عنوان مفسدین و متجاوزین به حقوق عمومی به مردم شهر معرفی خواهند شد؟ و آیا این عناصر خائن که به مردم شهر خود خیانت کرده اند، به مجازات قانونی خواهند رسید؟ مردم شهر بی صبرانه عملکرد مدیران مربوطه را در رابطه با این پرونده دنبال می کنند و آرزومندند که شاهد استیفای حقوق خود توسط مدیران لایق و شجاع شهر خود باشند تا به سلامت و پاکدامنی و شجاعت آنان مباحث و افتخار کنند.

خبرگزاری ایرنا در کد خبری ۸۲۱۰۵۵ در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۱۱ پرده از جعل و یک مهسده بزرگ برداشت. به گزارش ایرنا، زمینی واقع در میدان مرکزی بندرانزلی که بخشی از آن برای احداث خیابانی جهت روان سازی ترافیک شهری در نظر گرفته شده بود با جعل نقشه، امضاء و مهر شهرداری به صورت غیرقانونی تفکیک و به فروش رفته است. به گزارش ایرنا، خریدار زمین (بانک صادرات) مدعی است که زمین را با رعایت مقررات و ضوابط خریداری کرده و تمام مراحل و استعلامات به صورت قانون و بدون هیچگونه نقض بوده است. در حالیکه مسئول حراست شهرداری بندرانزلی خبر از اقدام خلاف قانون می دهد. وی می گوید: «فروشنده با جعل نقشه، امضاء شهردار و مهر شهرداری اقدام به تفکیک غیر قانونی نموده و با این اقدام خود حق و حقوق شهرداری و شهر را از بین برده است.»

شعبان جعفری نماینده شجاع شورای اسلامی شهر نیز اداره ثبت اسناد شهر را به چالش کشیده که چرا بدون توجه به مصوبه کمیسیون ماده پنج و رعایت مراحل قانونی به صدور سند مبادرت ورزیده است. فرماندار محترم شهر نیز نوید پیگیری و تنبیه مسببین و متخلفین را از طریق مراجع قانونی داده است. انجمن طرفداران توسعه بندرانزلی که سالهاست پیگیر اجرای کمیسیون ماده پنج بر روی قطعه زمین مذکور دایر بر احداث خیابان ۲۰ متری است، ماهها قبل طی نامه ای به مدیریت حراست بانک صادرات

جناب آقای علیرضا اجدادی

همشهری محبوب و قهرمان کاراته جهان
آغاز زندگی مشترک را به شما و همسر گرامیتان
تبریک گفته و برایتان سعادت و خوشبختی آرزو
می نمایم.

گزارش تشکیل دومین مجمع عمومی انجمن طرفداران توسعه بندرانزلی



با انتخاب هیات رئیسه و بازرس، مجمع به کار قانونی خود پایان داد و رئیس جلسه مجدداً از استاد بارور تقاضا نمودند که منظومه دیگری از اشعار بارور را قرائت نمایند. آقای **بارور** این بار منظومه تراژدی ماندگار «**نازک لافند**» را خواندند که بسیار مورد تحسین و تشویق حضار قرار گرفتند. سپس رئیس جلسه از اساتید موسیقی شهر ما، **استاد قناعتی** و **استاد بهاری** تقاضا کردند جهت حسن ختام جلسه قطعات دلنوازی را اجراء نمایند. استاد قناعتی علی رغم کسالت ناشی از سرماخوردگی به احترام حضور شهروندان در این مجمع قطعاتی دل نشین همراه با دف و صدای نشاط انگیز و پرتین استاد بهاری اجراء نمودند و وجد و سروری وصف ناپذیر را در حاضرین بوجود آوردند. با اجرای دو قطعه موسیقی توسط هنرمندان گرانقدر شهر ما، آقای مهندس رسولی، رئیس مجمع، با تشکر از مدعوین و تبریک به اعضای هیات مدیره جدید و هم چنین تشکر از هنرمندان یاد شده، ختم جلسه را اعلام نمودند و بدین وسیله مقارن ساعت ۱/۵ بعد از ظهر روز جمعه ۸۸/۸/۲۹ دومین مجمع عمومی انجمن طرفداران توسعه بندرانزلی با موفقیت پایان یافت و فصل جدیدی از کار و تلاش انجمن در استیفای حقوق شهروندی آن آغاز گردید.

گزارشات متعدد، از استاد بارور، شاعر بلندآوازه گیلک سرای شهر ما درخواست نمودند که منظومه ای از اشعار گیلکی خود را برای شهروندان حاضر در مجمع بخوانند. استاد بارور نیز با صمیمیت ذاتی خویش، پشت میکروفون قرار گرفته و منظومه بلند و جذابی را قرائت نمودند که به شدت مورد توجه و تشویق حاضرین قرار گرفتند. سپس رئیس جلسه از آقای **لایق کار**، بازرس انجمن دعوت نمودند که گزارش بازرس انجمن را ارایه نمایند. آقای لایق کار با مقدمه ای تحلیلی پیرامون نقش انجمن های مدنی و ضرورت وجود هماهنگی و نزدیکی بین بنیه مدنی جامعه با کارایی و توانمندی مدیریت شهری و هم چنین به تفاوت کیفی بین دو مرحله از حضور مهاجرین در بندرانزلی اشاره کرده و سپس عملکرد انجمن توسعه را مورد نقد و بررسی قرار دادند. پس از گزارش بازرس انجمن، رئیس جلسه ۱۵ دقیقه انتراکت جهت استراحت و پذیرایی از مدعوین اعلام نموده و در این فرصت با چای و شیرینی و میوه از میهمانان پذیرایی به عمل آمد. پس از رسمیت یافتن مجدد مجمع، با کاندید شدن چند نفر از اعضای رسمی جهت انتخاب هیات رئیسه و بازرس انجمن، مجمع وارد انتخابات شد و پنج نفر به نام های آقایان: **هوشنگ اسماعیل نیا**، **سلمان فدائی گوهری**، **رضا لطیفی**، **عسگر پورخان** و **کاظم منصوری** به عنوان اعضای اصلی هیات رئیسه و آقایان: **هادی حیدری** و **علی عباسی امانی** به عنوان اعضای علی البدل و هم چنین آقای **حسن لایق کار** به عنوان بازرس اصلی و آقای **خسرو قبریپور** به عنوان بازرس علی البدل انتخاب شدند.

دومین مجمع عمومی انجمن طرفداران توسعه بندرانزلی در روز جمعه ۸۸/۸/۲۹ در تالار منصوره بندرانزلی برگزار گردید. مجمع مقارن ساعت ۱۰:۳۰ صبح با حضور سی و یک نفر از اعضای رسمی انجمن و شرکت بیش از هفتاد نفر از شهروندان بندرانزلی با خوش آمدگویی آقای **اسماعیل نیا**، رئیس هیات مدیره انجمن آغاز به کار نمود. پس از تلاوت آیاتی از قرآن مجید و انتخاب هیات رئیسه مجمع، دومین مجمع عمومی انجمن رسمیت یافت و آقای مهندس **حسین رسولی** رئیس مجمع پس از اظهار تشکر از حضور شهروندان در این مجمع و هم چنین تقدیر از زحمات هیات مدیره انجمن در ایام مسئولیت آنان در پیشبرد اهداف انجمن، با دعوت از آقای اسماعیل نیا، رئیس هیئت مدیره جهت ارایه گزارش هیات مدیره، اولین دستور کار مجمع را شروع نمودند. آقای اسماعیل نیا در این گزارش از اهداف و عملکرد انجمن، پیگیریهای انجام شده، پیشنهادات تحقق یافته، پروژه های پیشنهادی تحقق نیافته، تعداد نشریه و اعلامیه های منتشر شده، کاستی ها و مشکلات پیش روی انجمن به تفصیل سخن گفتند. پس از گزارش هیات رئیسه انجمن، آقای عسگر پورخان، عضو هیات مدیره و خزانه دار انجمن، بیلان دریافتی های انجمن از حق عضویت اعضا و اهدای کمک های مالی شهروندان به انجمن و هم چنین هزینه های جاری انجمن را ارایه دادند. بعد از گزارش خزانه



پای صحبت یک شهروند زحمتکش و نمونه شهر ما (شاهپور نانو)

گزارش از: اکبر هنرمند

اگر صبح روزی هوس نان تافتون گرم کنی بی شک سراغ «شاهپور نانو» در «سنگ ورسر» می روی. پیرمرد زحمتکشی که بیش از نیم قرن هنوز شب به پایان نرسیده و خروس سحری سپیدی بامداد را نوید نداده با نان تافتون داغ خود به شما صبح بخیر می گوید و سفره خانه شما را با عطر خوشبوی نان تازه خود پر می کند. از نوجوانی «شاهپور نانو» را در همین مغازه در «سنگ ورسر» دیده ام. مرد زحمتکشی که بی وقفه تنور را گرم کرده و خمیر را ور آورده و حاصل جان و عمر خود را بر سر سفره مردم شهر نهاده است. و حالا نیز که پیرمردی شده است با دو پای علیل، عصا به دست جان خسته خود را به در مغازه می کشاند و با دستانی کم توان همچنان در هر بام و شام نان می پزد تا سفره مردم شهر را بی نان گرم نگذارد.

با او لحظاتی به گفتگو می نشینیم. از خودش می گوید. از زندگی و گذشت ایام. از کار و تلاش دایمی و از آرزوهایش سخن می گوید.

- شاهپور آقا همه ی مردم شما را به نام «شاهپور نانو» می شناسند. آیا اسم واقعی و شناسنامه شما هم همین نام است. خواهش می کنم قدری از خودت برایمان حرف بزنی.

* نام من محرمعلی گل عموزاده است. ملقب به شاهپور که مردم مرا شاهپور نانو صدا می کنند. من در سال ۱۳۱۲ در همین شهر به دنیا آمدم. پدرم علی عسگر از مهاجرین ناحیه خلخال و مادرم خانم گل گیلک زبان بود.

- شاهپور آقا شما مدرسه هم رفتید؟

* بله در زمان جنگ دوم جهانی. در شهریور ۱۳۲۰ در دبستان انوری که آن زمان قدری بالاتر از محله "سنگ ورسر" قرار داشت کلاس دوم ابتدایی بودم که تا ششم ابتدایی در همان دبستان درس خواندم. مدیر مدرسه ما مرحوم طارمیان بود.

- چطور شد که به شغل نانوايي روی آوردید؟

* بعد از مرگ پدر مرحوم من و برادر کوچکم تحت سرپرستی عموی مرحوم علی اکبر خانلو



علاوه بر ماهی، خربزه، خیار و هندوانه انزلی در ایران معروف بود. صیادان و صیغی کاران از ما نان نسبه می گرفتند ما پته هایی درست کرده بودیم که به جای پول پته می دادند و هنگام فصل برداشت محصول یا صید ماهی می آمدند و با ما تسویه حساب می کردند.

- شما چند سال بطور پیوسته پشت تنور بودید و به اصطلاح شاطر بودید؟

* من ۴۸ سال مدام پشت تنور بودم تا اینکه این اواخر سکتته خفیفی کردم و به ناچار از ماشین پخت استفاده کردم که حدود ۶ سال می شود.

- آیا شما بیمه تامین اجتماعی هستید؟

* متأسفانه خیر. چون مغازه به نام خودم بود و آن موقع بیمه خویش فرما وجود نداشت و بعد از انقلاب نیز چون سنم بالا بود بیمه مرا قبول نکردند ولی من پسرانم را که با من کار می کنند بیمه کردم.

- از مسئولان چه انتظاری دارید؟

* والله از من که گذشت. ولی از دولتمردان و مجلسیان می خواهم برای افرادی نظیر ما که عمری را تقلا کرده اند یک نوع بیمه افتخاری وضع کنند تا جوانان بدانند که جامعه هیچوقت افرادی را که برای مردم خدمت کرده اند تنها نمی گذارد.

- آیا فکر نمی کنید که دیگر زمان استراحت شما در خانه فرا رسیده است؟

* از زمانی که همسرم فوت کرده حوصله خانه نشینی ندارم. اصولاً در زندگی ۳-هیچوقت با کار نکردن و تنبلی عادت نداشته ام. با کار کردن حس می کنم زنده ام. مخصوصاً اینکه

بقیه در صفحه آخر

معروف به "ملا علی بابا" که انسان بسیار متدینی بود قرار گرفتیم. چون فرزند ارشد خانواده بودم، برای کمک به خرج خانه نزد مرحوم یوسف نانو که نبش باغ زمانی فعلی مغازه داشت به شاگردی پرداختم. در سال ۱۳۳۴ تقریباً ۵۴ سال پیش در محله «سنگ ورسر» این مغازه را دایر کرده و با محاسبه سالهای شاگردی جمعاً ۶۳ سال است که پیوسته مشغول نانوايي هستم.

- چرا به این محله می گویند «سنگ ورسر»؟

* در گذشته، رودخانه شنبه بازار از بهترین رودخانه های تکثیر ماهی بود. به خاطر بستر شنی و ماسه ای آن که به گفته یکی از صیادان قدیمی به نام «حسن بابازاده» که می گفت زمانی که نوجوان بود، در همین محله سنگ ورسر تور پهن می کرد و فراوان ماهی می گرفت. یادم هست که می گفت که یک شب ۹ زنبیل در همین سنگ ورسر کومه گرفته است. به خاطر آب تمیزی که این رودخانه داشت، خانم ها در این رودخانه حصیر و لباس می شستند. علاوه بر این محل عبور اهالی پيله علی باغ بود که آن موقع با قایق رفت و آمد می کردند و بسیاری از نیازهای شهر را تامین می کردند. همینطور قایق ها و کرجی های زیادی با بار هندوانه و خربزه از روستاهای اطراف مرداب از طریق این رودخانه وارد شهر می شدند و در این محل پهلو می گرفتند و شب را در این منطقه ی خوابیدند و صبح زود به طرف شنبه بازار حرکت می کردند تا بار خود را تخلیه کنند. خلاصه اینکه این ناحیه منطقه شلوغ و پر رونقی بود و کسب و کار نانوايي از دیگر مناطق شهر رونق بیشتری داشت. حالا افسوس که آن رودخانه با آب تمیز و زلالش تبدیل شده است به محل عبور فاضلاب شهر و زباله هایی که مغازه داران حاشیه رودخانه و بساطی های ایام شنبه بازار به درون آن می ریزند. در گذشته مردم شهر بیشتر زندگی شان از راه صیادی و صیغی کاری می گذشت.

بندر انزلی به روایت تاریخ

نقل از کتاب: دارالمرز ایران - گیلان

نوشته ه - ل. رابینو

(نایب کنسول انگلستان در رشت از ۱۹۰۶ تا ۱۹۱۲)

مدرسه و مسجد: محلات قدیمی انزلی به نام کهنه آباد و محلات جدید به نام تازه آباد نامیده می شود. در این شهر ۷۹۰ دکان و سه کاروانسرا و تعداد زیادی انبار و دو مدرسه به اسلوب مدارس اروپا یکی مخصوص دختران و یکی برای پسران و هشت مکتب خانه و یک مدرسه روسی و یک مدرسه ارمنه وجود دارد.

چهار مسجد به نام مسجدخان که با یک تکیه وسیله محمدهاشم خان انزلی در اواخر دوره سلطنت محمدشاه ساخته شد و به آن مسجد جامع هم میگویند. مسجد سرخی که به وسیله طایفه سرخی ساخته شد. مسجد استاد محمدرضی که به نام مسجد آخر نیز معروف است و به تازگی به وسیله عمیدهمايون (حاکم وقت) مرمت گردید و مسجد تازه که به وسیله مرحوم حاجی سید شفیق آقا مجتهد بنا گردید.

حمام: انزلی در حدود ده حمام دارد عبارتست از: حمام شاه یا سه شنبه، حمام بازار یا شنبه، حمام داروغه یا یکشنبه، حمام حاجی میرزا زکی یا جمعه، حمام عمیدهمايون، حمام حاجی رضا علی اف، حمام مشهدی کاظم علی اف، حمام تازه آباد یا دوشنبه، حمام پنجشنبه، حمام شاه کوچک یا چهارشنبه.

کاخ: کاخ های دولتی انزلی را می توان به صورت زیر نام برد: عمارت معتمدی که توسط میرزا عبدالوهاب معتمدالدوله حدود در سال ۱۲۳۵ هجری قمری (۲۰-۱۸۱۹ میلادی) بنا گردید. ساختمان این کاخ در وسط باغی احداث گردیده است و تا دوره اخیر به وسیله حکومت انزلی تصرف شده بود. کاخ کوچک دیگری به نام عمارت سرداری در سال (۷۲-۱۸۷۱ میلادی) به فرمان میرزااحسن خان صدراعظم در زمان اولین مسافرت ناصرالدین شاه به اروپا ساخته شد. این بنا به وسیله مامورین کنسولگری روسیه که بدون شک آن را خریداری نموده اند اشغال گردیده است. شمس العماره که در سال (۱۸۷۱ میلادی) ساخته شد و با کلون هایی آن را احاطه نموده است. این عمارت دارای پنج طبقه است و به سبب غفلت در تعمیر آن رو به ویرانی می

رود. باغ زیبایی که این عمارت وسط آن قرار دارد، مرکز قرنطینه شده است. دو کاخ توپخانه و قورخانه که به وسیله خسروخان گرجی احداث گردیده بعدها اکبرخان بیگلربیگی آنها را توسعه داده بود نیز رو به ویرانی می رود(۲).

فانوس دریایی (مناره): که به وسیله خسروخان گرجی از آجر بنا گردید و در انتهای حد شمالی شهر قرار گرفته است. این بنا ۳۵ ذرع ارتفاع دارد. با وجود آنکه آن را روشن نمی کردند. مزد نگهبان این برج در سال ۱۲۹۴ (۱۸۷۷ میلادی) ۲۵ تومان و پول روغن آن ۲۲۸ قران بود که تا سال ۱۳۲۷ هجری قمری (۱۹۰۷ میلادی) این هزینه در حساب عمومی گیلان منظور می کردند. این برج فعلاً رو به ویرانی است.



(۱) در سال ۱۳۲۹ هجری (۱۹۱۱ میلادی) تعداد شاگردان مدرسه رشیدی ۱۳۳ نفر و شاگردان مدرسه دخترانه ۱۵ نفر بوده و ۳۲۶ پسر و ۸ دختر در هشت مکتب خانه درس می خواندند. شاگردان مدرسه ارمنه ۱۲ پسر و ۷ دختر و شاگردان مدرسه روسی ۲۴ پسر و دختر بود. (۲) در کاخ توپخانه زنجیری از آهن به وزن ۴۸۰۰ تن شاهی (۲۸ تن) وجود داشت و آن را برای بتن خلیج انزلی بکار می بردند.

تقدیر و تشکر

از همه شهروندانیکه در تدارک و برگزاری موفقیت آمیز دومین مجمع عمومی انجمن طرفداران توسعه بندرانزلی سهیم بوده و از حمایت مادی و معنوی انجمن طرفداران توسعه دریغ نکرده اند، سپاسگزارییم.

بویژه از آقایان: استاد بارور شاعر گرانقدر شهر ما و اساتید هنرمند استاد قناعتی و استاد بهاری.

آقایان: کاظم منصوری مدیر محترم تالار منصوری، علی عباس امانی مدیر محترم موسسه تبلیغاتی پژواک، خسرو تبریزیپور مدیر محترم گلکده نسیم انزلی و عسگر پور خان.

الو شهروند ۰۸۴۲۴۹۵۰۸

هر شهروند می تواند

خبرنگار نشریه شهروند باشد

* در مقابل نیروی دریایی به خصوص منطقه دژبانی نرسیده به پل هوایی، موتورهای پرسنل نیروی دریایی که در پیاده رو پارک می باشند، سبب اشغال پیاده روی عبور عابرین شده و گاهی چون موتور سواران نیز از این معبر عبور می کنند باعث حوادث ناگوار و خطر جانی برای عابرین می باشد لذا از فرمانده محترم نیروی دریایی خواهشمند است که به علت داشتن فضای کافی در محوطه نیروی دریایی، این موتورها را در داخل محوطه پارک نمایند.

سیم دار، مسئول هیات فوتبال انزلی * انزلی با وجود داشتن بیش از یکصد و پنجاه هزار نفر جمعیت از کمبود پزشک ارتوپد رنج می کشد. این شهر فقط دو پزشک ارتوپد دارد که یک نفر غیر فعال است و هفته ای دو سه روز پاره وقت ویزیت می کند و پزشکی دیگر که تمام طول هفته بیمار می پذیرد و بیماران آسیب دیده می بایست ساعت ها در مطب از درد و رنج برخوردارند تا نوبت ویزیت آنان فرا برسد. از مسئولین محترم نظام پزشکی انتظار داریم این خواسته مردم را به سمع و نظر مسئولین استان و وزارت خانه برسانند تا پزشک ارتوپد به قدر نیاز شهر تامین شود.

یک شهروند انزلی چی * تا کی باید شاهد خلاف و تجاوز به حریم عمومی باشیم. دکان دارها که بخشی از پیاده رو را کالا می چینند، دکه داران که به قدر چند برابر دکه خود حریم عمومی را اشغال کرده اند، ارابه داران که در هر گذرگاهی عبور و مرور شهری را سد کرده اند، بساطی ها هر جای شارع عمومی را تصرف کرده و بساط گسترده اند. تاکسی تلفنی ها تمام معابر و کوچه های اطراف آژانس خود را ملک طلق خود پنداشته و کسی حق پارک کردن در شعاع اطراف این آژانس ها را ندارد. به نظر می رسد این شهر هر کی هر کی است. در این زمینه ها هر کس هر شکل که دلش بخواهد مجاز است رفتار کند. چون پاسخگو به کسی و نهادی نیست. نه شهرداری، نه نیروی انتظامی و راهنمایی و رانندگی و نه ... آیا شهرهای دیگر نیز چنین است؟ مسعودی

گزارش بازرسی انجمن به دومین مجمع عمومی انجمن طرفداران توسعه بندرانزلی

دیده و یا اکنون با توسعه یافتگی شهرهای دیگر مقایسه می‌کند، این شهر دارای کاستی‌های فراوان است. یکی مطلوبیت را در وضع موجود می‌بیند و یا نسبت به تغییر و تحول آن بی‌تفاوت است و اصلاً سرنوشت شهر دغدغه وی نیست. اما دیگری از این نابسامانی و عقب ماندگی در رنج است و لذا مطالبه محور است. متأسفانه بر اثر مهاجرت روز افزون و تغییر اساسی در لایه-بندی جمعیتی اکثریت با کسانی است که مطالبه محور نیستند و به وضع موجود تمکین می‌کنند. در سطح مدیریت نیز به ویژه در این ایام مدیرانی در مسند امور قرار گرفتند که یا تجربه لازم مدیریتی نداشته و یا اینکه تجربه مدیریت در شهرهای بسیار کوچک و کم اهمیت را دارا بوده‌اند. لذا ما هیچوقت مدیرانی نداشته‌ایم که با تجربه مدیریت کلان شهری به انزلی آمده باشند و لاجرم موقعیت و اهمیت این شهر را درک کرده و برنامه‌هایی جهت توسعه و پیشرفت این شهر را داشته باشند. بنابراین از نگاه واقع بینانه شهر ما هم در سطح بنیه مدنی جامعه و در سطح مدیریتی مشکل دارد. ما شهروندانی داریم که نسبت به سرنوشت شهر خود بی توجه‌اند و اگر مدیر اداره‌ای بخشی از بودجه عمومی این شهر را بدون مطالعه و بدون نظرخواهی از ارباب نظر صرف میدانی کند که خالی از هر ذوق فنی، هنری و جامعه شناختی است و مردم خود آن را میدان اعدام می‌نامند و یا شهروندانی که سالهاست از کنار ابنیه‌های مخروبه و متروکه میدان اصلی شهر می‌گذرند و یا سالهاست که معابر اصلی و مرکزی آن توسط متجاوزین به حقوق عمومی به نام کاسبان ارابه دار اشغال شده است و یا ۵۲ روز از سال یکی از شاهراه‌های اصلی عبور و مرور شهری به روال نیم قرن پیش به بازار مکاره روستایی تبدیل می‌شود و فضولات این بازارچه به رودخانه مشرف به تالاب می‌ریزد و بازار ماهی فروشان آن منبع آلودگی زیست محیطی است، و همه این مصائب را آن اکثریت بی‌خیال می‌بیند و به راحتی از آن می‌گذرد و یا آنکه می‌بیند و از آن رنج می‌کشد اما از پایگاه دفاع از حقوق شهروندی خود متعرض نمی‌شود و مسئولان این عقب ماندگی را به چالش نمی‌کشد، بنابراین باید قبول کرد ما شهروندانی مطالبه محور نداریم و لذا وقتی دو سوی ضروری تحول و توسعه یعنی خواست مردم و کارآمدی مدیریتی فاقد مطلوبیت لازم

شهروندان در ساخت‌مندی‌های صنفی و حقوق شهروندی است و از جانب دیگر دانایی و توانایی مدیران شهری است. به طریق اولی مردم باید بخواهند و مدیران نیز باید بتوانند. جامعه‌ایکه فاقد مدیرانی توانمند و مردمی فاقد مطالبات شهروندی باشد سرنوشتی قضا و قدری خواهد داشت و فرجام مردمی نا آشنا به حقوق خود و مدیرانی ناتوان در وظایف خود به یقین نیک نخواهد بود.

حال با این مقدمات نظری بر میگردیم به سنجش موقعیت شهر انزلی و نسبت بنیه مدنی جامعه با سطح توانمندی مدیران شهری.

بندرانزلی به عنوان یک شهر صیادی و بندری همواره مهاجرپذیر بوده و مهاجرین تاثیرات تعیین کننده‌ای در اقتصاد، فرهنگ و مناسبات اجتماعی جامعه شهری آن داشته‌اند. ورود مهاجرین اولیه از باکو، ارمنستان و روسیه و حضور فعال آنان در حوزه‌های مختلف زندگی شهری موجب پیشرفت شهر در همه عرصه‌های حیات آن گردید. احداث بانک ایران و روس، احداث کارخانه-های برنج کوبی، صابون پزی، کالباس سازی، فتیله بافی، لیموناد سازی، چاپخانه، و بنای عمارات و ابنیه-های متعدد با سبک معماری اروپایی در شهر، احداث مدرسه در ۱۲۸۵ توسط ارامنه، احداث دبیرستان در ساختمان بزرگ اشکولا در خیابان بایندر فعلی در اوایل قرن اخیر توسط مهاجرین و ترویج هنر موسیقی، نقاشی و تئاتر در بین جوانان شهر در مجموعه خود باعث ارتقاء سرمایه‌های مادی و فرهنگی شهر گردید و بنیه مدنی جامعه در سطحی از آگاهی قرار گرفت که هیات حاکمه ناچاراً مدیران توانمندی را در مصدر مدیریت شهری قرار می‌داد. بدین لحاظ با توجه به نزدیکی نسبت به بنیه مدنی جامعه و توانمندی مدیران شهری، بندرانزلی در آن مقطع زمانی نسبت به دیگر شهرهای خطه شمال زیبا و آبادتر گردید و دروازه اروپا نام گرفت.

در واقع انزلی در چند دهه قبل چیزی از یک شهر اروپایی کم نداشت. اما موج دوم مهاجرت و جابجایی جمعیتی به ویژه در سه دهه گذشته حامل این بار مثبت نبوده است. اکثر مهاجرین موج دوم مهاجرت از روستاها، بخش‌ها و شهرهایی به انزلی کوچیدند که سابقه مدنی و توسعه یافتگی این مناطق به مراتب پایین تر از انزلی بوده و لذا نمی‌توانسته‌اند سطح مطالبات و بنیه مدنی شهر را ارتقاء بخشند. تصور کنید کسی که از یک روستا به شهر آمده و از مواهب گاز، آب لوله کشی، مدرسه، پارک، درمانگاه و سینما برخوردار می‌گردد، این شهر برایش کمال مطلوب است. اما برای شهروندی که انزلی را در گذشته آن



با سلام خدمت خانم‌ها و آقایان محترم قبل از ورود به نقد عملکرد انجمن، مایلم عریضی داشته باشم پیرامون نقش مردم در انجمن‌های مدنی و نسبتی که این نقش آفرینی در فرایند توسعه جامعه خواهد داشت. اینکه چرا علی‌رغم گذشت بیش از یکصد سال از عمر انقلاب مشروطیت هنوز جامعه ما فاقد حضور قدرتمند و متشکل نهادها و انجمن‌های مردمی است، خود حدیثی است مفصل فراخور بحث در حوزه‌های نظری علوم سیاسی اجتماعی که انجمن از ورود به آن پرهیز دارد. اما آنچه به بحث امروز ما مربوط است، نسبتی است که بنیه مدنی جامعه شهری با سطح کارآمدی مدیران شهری می‌بایست داشته باشد. به عبارت روشن‌تر هر قدر عنصر دانایی و تشکل یابی شهروندان به آگاهی و کارآمدی مدیران شهری نزدیک‌تر باشد، این دو به عنوان دو پای همگام توسعه جامعه را به جلو برده و باعث رشد و تعالی و آبادانی و رفاه جامعه مفروض خواهد شد. اما اگر جامعه‌ای دارای مدیرانی لایق و کارآمد باشد ولی بنیه مدنی جامعه ضعیف بوده و با برنامه‌های مدیریتی جامعه همسو نگردد، و یا بالعکس اگر سطح مدیریتی جامعه نازل‌تر از سطح مدنی آن باشد و مدیریت جامعه نتواند مطالبات مدنی شهروندان را درک کرده و یا قادر به پاسخگویی مناسب آن مطالبات نباشد، امر توسعه تحقق نخواهد یافت و جامعه مفروض، راه رستگاری و رفاه و آبادانی را نخواهد پیمود. بنابراین شرط ضروری توسعه اولاً سامان یافتگی و تشکل

www.AnzaliCity.org

بر حمایت‌های مالی و فکری اعضای خود از سرمایه عمر و تجربه خویش مایه گذاشته و اهداف انجمن را تا این مرحله به پیش برده‌اند، جای تشکر و قدردانی دارد.

آرزومندیم انجمن در سر فصل جدید فعالیت خود، کماکان چون گذشته با اتحاد دو یگانگی و متکی به خرد جمعی و حمایت همه جانبه اعضاء و شهروندان علاقمند به سرنوشت انزلی گامی فراتر از گذشته در استیفای حقوق مدنی شهروندان انزلی بر دارد و در تحقق برنامه‌های خود موفق و سرفراز باشد.

با تشکر از حوصله شهروندان محترم

جناب آقای وجیه اله ایزدپناه

عضو محترم انجمن طرفداران

توسعه بندرانزلی

ضایعه فوت پدر گرامی تان را به شما و خانواده محترم آن مرحوم تسلیت گفته و فود را در سوگ و ماتم شما شریک می دانیم.

انجمن طرفداران توسعه بندرانزلی

یادی از یک یار هواردار صمیمی

ملوان (منوچهر شهنواز)

با آنکه با گذشت ۶ آذر ماه بیش از هفده سال از جدایی همیشگی این یار صمیمی ملوان از تیم محبوبش می گذرد اما قدیمی‌ها هنوز فاطره مردی را به یاد دارند که شایسته ملوان بود. برای پیروزی تیم نام‌آور شهر فود بر روی نیمکت تماشاگران از جان مایه می گذاشت. در هر سفر در جای جای ایران همراه تیم بود و مشوق مشتاق آن.

یاد این همشهری فوب و یار صمیمی

ملوان پایدار باد.

اینگونه شکل می‌گیرد و بسترهای دموکراسی با چنین مولفه‌هایی فراهم می‌گردد. صرفنظر از نکات مثبت و شرح دستاوردهای انجمن، انجمن دارای کاستی-هایست که رفع آن جهت تداوم فعالیت انجمن الزامی است. انجمن علی‌رغم تلاش در جهت تشکیل کمیسیون‌های تخصصی تاکنون فقط در تشکیل کمیسیون عمران موفق بوده و سایر کمیسیون‌های مورد نظر یا تشکیل نشده و یا هنوز فعال نمی‌باشند. بنابراین انجمن در سرفصل جدید فعالیت‌های خود می‌بایست تشکیل کمیسیون‌های تخصصی را جدی گرفته و از صاحب نظران در حوزه‌های مختلف عمرانی، فرهنگی، ورزشی، گردشگری و اجتماعی دعوت به همکاری نموده و از مشاوره این صاحبان اندیشه و متخصص بهره‌مند گردد. موضوع دیگری که در نقد عملکرد انجمن می‌توان برشمرد، کم توجهی به نقد رفتارهای شهروندان است. در این مدت عمده توجه انجمن به نقد عملکرد مدیریت شهری بوده است. البته این درست است که مدیریت‌های لایق و توانمند می‌توانند پیشرفت جامعه را تسریع کرده و نقشی بسزا در تحول و دگرگونی جامعه داشته باشند، اما این امر به هیچ وجه از بار مسئولیت شهروندان نمی‌کاهد. رعایت حفظ پاکیزگی محیط زیست. رعایت حقوق یکدیگر. حسّ تعلق خاطر داشتن نسبت به شهری که در آن زندگی می‌کنیم. حفظ اموال عمومی. شرکت فعال و آگاهانه در انتخابات شهری و انتخاب افراد شایسته و توانمند در پارلمان شهری، تعامل در گفتار و تعادل در رفتار به ویژه با گردشگران، جملگی نکات قابل نقد در حوزه تکالیف شهروندی است. اصلاح این نکات هیچ ربطی به نوع مدیریت جامعه و هیات حاکمه ندارد. در چهارچوب هر دولت و هر حاکمیت با هر نوع سبک و سیاق و ایدئولوژیک و روش و رفتار حکومتی تلاش در جهت به سازی فرهنگی و سالم سازی محیط زندگی شهروندی و اصلاح رفتار شهروندان از جمله وظایف انجمن‌های مدنی است. و سر آخر بزرگترین کاستی انجمن که در همین نشست مجمع نیز به شکل ناخوشایندی به چشم می‌خورد، خلاء حضور بانوان در فعالیت مدنی انجمن می‌باشد. اگر این درستکه حداقل نیمی از جمعیت شهری ما را بانوان تشکیل می‌دهند و بدون مبالغه بانوان در همه‌ی عرصه‌های زندگی اجتماعی نقشی با اهمیت دارند، بنابراین عدم حضور بانوان فرهیخته شهر انزلی که آنها نیز دغدغه مسایل شهری دارند، در انجمن قابل اغماض نیست. البته طرح این مطلب به هیچ وجه نشانه باور مرد سالارانه هیات رئیسه انجمن نبوده بلکه این خلاء را می‌توان در نهایت کم توجهی و غفلت از این امر مهم تلقی کرد که امیدواریم بزودی شاهد حضور فعال بانوان در فعالیت‌های انجمن باشیم.

در خاتمه با توجه به نکات مطروحه و انتظار واقع بینانه از انجمنی نوبنیاد که اعضا و هیات رئیسه محترم آن بدون کمترین حمایت از نهادهای دولتی تنها با تکیه

است، می‌بایست به خود آیینم و جدا از شعارهای خود فریبنده که ما انزلی چی‌ها در همه حوزه‌ها سرآمدیم. چون طاووس مست زیبایی خویش نگردیم. باید درباره خود مبالغه نکنیم. پای زشت خود را نیز بنگریم و آن را از انظار پوشیده نداریم. ما می‌بایست جامعه خود را بشناسیم، عیوب آن را بجوییم و سپس با نقد سازنده در پی تغییر آن برآییم. با چنین نگاه و بر بستر چنین تحلیلی به نقد عملکرد انجمن می‌نشینیم و انتظار آن نداریم که یک انجمن مدنی با توجه ضعف بنیه مدنی شهر در کوتاه مدت اثرات تعیین کننده‌ای در توسعه شهری از خود بجای نهد. انجمن توسعه انجمنی نوپاست که عده‌ای از اقشار و لایه بندی مختلف اجتماعی با دغدغه مسایل شهر خود گردهم آمدند و برنامه‌ای را مشترکاً به پیش می‌برند. مهمترین اصولی که انجمن بر آن پای‌بند بوده و فعالیت‌های خود را حول سه محور: توسعه عمران شهری، توسعه صنعت گردشگری و توسعه مراکز علمی و دانشگاهی و فرهنگی - ورزشی متمرکز کرده در واقع بیان وجوه توسعه متوازن و همه جانبه شهر انزلی است. اصل دیگری که انجمن بر آن پای فشرده و خود را ملزم به رعایت آن دیده، عبور نکردن از مطالبات حقوق شهروندی و غفلتیدن به عرصه مسایل سیاسی بوده است. شاید راز ماندگاری و ریشه گرفتن انجمن نیز حفظ حریم مرزهای خطوط مدنی و پرهیز از ورود به حوزه فعالیت‌های سیاسی است. چه، تجربه نشان داده است که تداخل اهداف سازمانی و حزبی در حوزه فعالیت‌های مدنی علاوه بر دور کردن نهاد مدنی از اهداف اولیه، موجب تشتت و تفرقه و سرانجام فروپاشی جریان مدنی شده است.

فعالیت انجمن در چارچوب اهداف مصوب و عدم انتساب آن به گروه بندی‌های سیاسی امکان نقد عملکرد مدیریت شهری را برای انجمن میسر ساخته که انجمن بی‌غرض و بدون پرده پوشی در ملاقات‌های حضوری و یا در نشریه شهروند ارگان انجمن عملکرد مسئولین و کاستی‌های موجود را به چالش بکشد. نکته قوت دیگر انجمن که طرح آن در اینجا اهمیت فراوان دارد. آموزش رفتارهای مدنی در روند فعالیت‌های جمعی انجمن می‌باشد. اینکه عده‌ای به عنوان هیات رئیسه و اعضای انجمن در نشست‌های خود قواعد گفت و شنود را رعایت نکنند. با حوصله نظریات یکدیگر را بشنوند. آن را نقد کنند، نظر مخالف خود را تحمل کنند و سپس این نظریات را به آرای جمعی بگذارند و راهکاری را با رای اکثریت مصوب کنند و جملگی از آن مصوبات متابعت کنند، این خود کار بزرگیست که فرهنگ تحمل نظر مخالف و تعامل با دگراندیش